

نه فراموش و نه بخشش

(در یادمان جانباخته‌گان شصت و هفت)

شباهنگ راد

در تابستان داغ سال شصت و هفت، خمینی فرمان قتل عام زندانیان سیاسی را صادر نمود و هزاران زندانی کمونیست، مبارز و مخالف را - علی‌رغم از سر گذراندن محکومیت‌های از قبل تعیین شده - به جوخه‌های مرگ سپرد. بیست و دو سال است که از آن واقعه‌ی دردناک و خونین می‌گذرد؛ واقعه‌ای که نه تنها فراموش شدنی نیست بلکه یادآور مقاومت و ایستادگی پایداران انقلاب از یک‌طرف و ددمنشی‌ها و قساوت شکنجه‌گران رژیم جمهوری اسلامی از طرف دیگر می‌باشد.

در حقیقت تابستان شصت و هفت یادآور رشادت‌ها و فداکاری‌های کمونیست‌ها و مبارزینیست که در راه آرمان‌های میلیون‌ها انسان زحمت‌کش ایستادند و تن به خفت و خواری ندادند و جان‌شانرا وثیقه‌ی انقلاب رهائی‌بخش خلق‌های ستم‌دیده‌ی ایران نمودند؛ سال شصت و هفت نماد پایداری زندانیانیست که در فضای سرکوب عنان گسیخته، راه عقب و تسلیم را پس زدند و در برابر شکنجه‌گران و جلادان رژیم جمهوری اسلامی، راه به پیش را در پیش گرفتند. سران حکومت به‌گمان خود بر آن بودند که با براه اندازی حمام خون در درون زندان‌ها، می‌توانند تا ابد فضای جامعه را به مسیر دل‌بخوای خود سوق دهند و هر آن‌کس که با نظام مخالفتی‌ست، جان‌اش را در سینه‌اش محبوس نمایند؛ بر این باور بودند که میادین تیر و سرکوب می‌تواند آرامش دل‌بخوای آنانرا فراهم سازد. به همین دلیل دسته دسته از کمونیست‌ها، مبارزین و مخالفین را به میدان‌های تیر روانه ساختند تا به زندگی انگلی خود تداوم بخشند.

براستی که بوی خون و جنایت در آن سال و دهه، سرتاسر ایران را فرا گرفته بود و جلادان نظام، در اطاق‌های در بسته و با براه اندازی دادگاه‌های فرمایشی و چند ثانیه‌ای، بر بار وظایف جنون آمیز خود افزودند و تیم‌های مرگ را به صف نمودند تا سینه‌ی پاک‌باخته‌ترین انسان‌ها را نشانه گیرند. در حقیقت ابعاد جنایات آن روزگاران، آن‌چنان گسترده و وسیع بود که کسی قادر به شرح همه‌ی آن‌ها نیست. از یاد نخواهد رفت که چگونه جانبان و مدافعین طبقه‌ی سرمایه‌داری دست در دست هم دادند تا مبادا پایه‌های نظام‌شان به خطر افتد. کُشتند تا صدای اعتراض را خاموش نمایند و خون ریختند تا مانعی جوشش و مخالفت توده‌ای گردند. مسلم است که همه‌ی دست‌اندرکاران نظام در بروز وقایعی دردناک دهه‌ی شصت دخالت و نقش مستقیم داشته‌اند و به هیچ‌وجه نمی‌توان بر اعمال آنان سرپوش گذاشت. روشن است که تاریخ و توده‌های زحمت‌کش پیشاپیش قضاوت خود را در مقابل مسببین آن واقعه‌ی دردناک نموده است و پر واضح است که اسناد آن وقایعی تلخ فراوان‌اند و بر خلاف مشاطه‌گران و سازش‌کاران نه می‌توان تاریخ را تحریف نمود و نه می‌توان اعمال بانیان و مسببین آنرا نادیده گرفت. بی‌دلیل آمرین و عاملین فجایعی خون‌بار شصت و هفت دارند پای خود را به بیرون کشند و بیهوده در تلاش‌اند تا نقش خود را از جنایات عریان، کتمان نمایند. سال شصت و هفت در تاریخ ایران، به سال کُشتار دسته‌جمعی زندانیان کمونیست، مبارز و مخالف در درون زندان‌های مخوف رژیم جمهوری اسلامی به ثبت رسیده است و بی‌تردید روزی فرا خواهد رسید که کارگران و زحمت‌کشان تاوان اعمال مزدوران و جنایت‌کاران را بازپس گیرند.

سرمایه‌داران وابسته و دولت مدافعی آن‌ها به خیال خود و بعد از پایان جنگ امپریالیستی و خانمان‌سوز ایران و عراق می‌خواستند با خون و خون‌ریزی، جامعه را از جوشش باز دارند؛ می‌خواستند با کُشتار دسته‌جمعی صدای اعتراض و حق‌طلبی را در گلو خفه نمایند و مانعی هرگونه عدالت‌خواهی گردند، اما توده‌های زحمت‌کش و

محرور علی‌رغم ددمنشی‌ها و بگیر و بگذر و به بندهای فله‌ای و قتل عام‌های وحشیانه و دسته‌جمعی، پاسخ دیگری به جرثومه‌های فساد و تباهی دادند و به اشکال متفاوت بر خواسته‌های بحق و اولیه خود پای فشردند. اگر چه رژیم جمهوری اسلامی توانسته است هزاران زندانیان سیاسی را در تابستان شصت و هفت قتل عام نماید، اما هرگز و هرگز قادر نگردیده است تا بر دامنه‌ی تنفر و انزجار، مخالفت‌ها و اعتراضات کارگری - توده‌ای بکاهد.

با این اوصاف بی‌مناسبت نیست تا جدا از یاد و گرامیداشت همه‌ی جویندگان راه رهائی و جانباخته‌گان دهه‌ی شصت بر این نکته تأکید گردد که وفاداری و تعهد به راه هزاران زندانی سیاسی کمونیست و مبارز، طرد و افشای هر چه گسترده‌تر مسببان و همه‌ی آمرین و عاملین دهه‌ی شصت از صفوف جنبش‌های اعتراضی‌ست؛ آمرین و عاملانی که علناً دارند اعلام می‌نمایند از بیان آنچه را که بر زندانیان سیاسی و در درون سیاه‌چال‌های رژیم جمهوری اسلامی رفته است، ناتوان‌اند؛ چرا که عمیقاً و باطناً می‌دانند، آشکار نمودن حقایق پس پرده‌ی فجایعی خونین دهه‌ی شصت می‌تواند پایه‌های نظام دل‌خواه‌ی‌شانرا به مخاطره‌ی جدی بی‌اندازد.

15 سپتامبر 2010

24 شهریور 1389